آیت الله مردوخ

امام مردوخ، حبیب الله

آیت اله مردوخ در شب 27 رجب 1297 هجری قمری برابر با سال 1256 خورشیدی‏ متولد و در شب جمعه نهم ماه رمضان با 21 شهریور 2534 شاهنشاهی برحمت حق پیوست. آیت اله مردوخ از سن طفولیت آثار ذکاوت و نبوغ در ناصیه او هویدا بود و در سن 7 سالگی نزد والد ما جدش بتحصیل علوم پرداخته و در قلیل مدتی در علوم رسمی و ریاضی‏ و صنایع و هنرهای زیبا از قبیل نقاشی،حکاکی،منبت‏کاری و سواری و تیراندازی مهارت‏ کامل پیدا میکند.و پدر بزرگوارش از محمد شاه قاجار تقاضا مینماید که حکم امامت جمعه‏ و قضاوت کردستان که خلفا بعد سلف در خانواده مردوخی بود به پسرش واگذار شود که اکنون‏ آن فرمان نزد آقای مؤمن مردوخ پسر آیت اله موجود است.

آیت اله مردوخ از عنفوان جوانی درصدد برمی‏آید که علوم قدیمه را بفارسی ساده‏ ترجمه نماید که الحق خوب از عهده آن برآمده است و قسمتی از آن چاپ و مورد استفاده‏ مطالعه‏کنندگان قرار گرفته است.

در تاریخ 1327 قمری یکدستگاه ماشین چاپ بمنظور تسهیل در نظر مقالات و تنویر افکار عمومی و روزنامه هفتگی(ندای اتحاد)به سنندج وارد کرد و به نشر معارف پرداخت‏ و مقالات مندرجه در آن نشریه تأثیر بسزائی در قلوب اهالی نمود.سپس تقاضا مینمایند انجمن‏ با تنظیم مرامنامه و نظام‏نامه تشکیل و تحت عنوان انجمن صداقت شروع بفعالیت نمایند- در هنگام طلوع آفتاب سلطنت رضا شاه کبیر برای تغییر رژیم سلطنت قاجاریه و استخلاص اهالی ایران از فلاکت و بدبختی آیت اله مردوخ جانبازی و فداکاری‏ها نمود(نهضت ملی)تشکیل‏ داد با سخن‏رانیهای آتشین مردم را از کابوس انحطاط بیدار و بمحسنات تغییر مقام‏ سلطنت واقف مینماید.و در هر موقع و مقام با عنایات و توجهات کامله رضا شاه کبیر و شاهنشاه آریا مهر آنچه توانسته با نشر مقالات و رسائل و غیره خدمات شایان توجهی‏ بدولت و ملت نموده است.

آیت اله مردوخ دارای قیافه‏ای جذاب و محضر گرمی بود با بیانات نمکینش کام حضار را همواره شیرین میفرمود زیرا وی ادیبی بود که به نظم و نثر عربی و فارسی تسلط کامل داشت‏ و در محاورات نیز.و متجاوز از یکصد تألیف در کلیه علوم و رسوم از خود برجای گذاشته که در حدود چهل تألیف تاکنون از آنها طبع و منتشر شده است که قسمتی در ترویج دین اسلام و تنویر افکار و ارشاد و راهنمائی جوانان و باصطلاح روشن‏فکران و مبارزه با خرافات میباشد و در این راه از بذل مال و تا پای نثار جان خودداری نمیکرد که اکنون علاوه از دوستداران‏ و اهالی ایران در غالب از ممالک آثار ایشان را بزبانهای مختلف طبع و نشر مینمایند-اکنون‏ به اشعاریکه جنبه حماسه‏سرائی دارد از خود مردوخ توجه فرمائید:

منم آن هشیوار مردوخ راد که مانند من مام میهن نزاد نگشته حریفم کسی تاکنون‏ بهنگام بحث و نظر در فنون‏ بشیرین‏زبانی و لطف سخن‏ چو شمع فروزان بهر انجمن‏ مرا علم و دانش نه کسبی بود ز فضل خداوند وهیی بود بسی در عقاید شدم غوطه‏ور بفکرت یکایک فکندم نظر خطا و حقیقت چو دریافتم‏ بمیدان تحقیق بشتافتم‏ ز روی خرد پرده برداشتم‏ بکشف حقایق قد افراشتم‏ فروغ حقایق دمادم دمید نوشتم هرآنچه بفکرم رسید کتاب و رسائل پراکنده‏ام‏ درخت خرافات برکنده‏ام‏ مرامم ز تألیف و نشر کتب‏ فقط کشف حق بود و رفع حجب‏ نه این گفته‏ها خودستائی بود همه شکر لطف خدائی بود وگرنه کیم من ز خود کیستم‏ بجز مظهر لطف حق چیستم